

داکتر رحیم رامشگر

تحلیل روان شناختی بعضی از اشعار مولانا جلال الدین بلخی قسمت سوم :

چون به قعر خوی خود اندر رسی پس بدانی از تو بود آن ناکسی

بلی دوستان عزیز ، این بیت حضرت مولا نیز مطابقت تام با آموزش های علمی روانشناسی نوین امروزی دارد. روان شناسی علمی امروز به وضاحت بیان میدارد که رفتار دیگران نسبت بما در واقع انعکاسات رفتار خود ماست. اگر ما موفق شویم که دست به خود کاوی روانی بزنیم آنقدر که تا به عمق و لایه های پنهانی خلق و خوی خود دست یابیم ، در آنجا بوضاحت می بینم که منشای بسیاری از رفتار های نا خوشایند دیگران ، در ذهن و روان خود ما قرار دارد . لیکن ما از روی عدم فهم و بینش لازم ، از دیدن آنها در خود عاجزیم و کور دلانه آنها بدیگران فرافکنی می نمائیم. مولانا می فرماید : پیلی را آوردند بر سر چشمه ای که آب خورد، پیل خود را در آب دید و رمید ! نمی دانست که از خود می رمد. بلی دوستان عزیز!

با وجود آنکه در اثر پیش رفت های علم روان شناسی ، امروز شناخت (خود) برای هر انسانی بخواهد ممکن و میسر است اما باز هم موانع مختلفی وجود دارند که بعضی از ما را از دست یابی به شناخت خود باز میدارند . از لحاظ روان شناسی، شناختن این موانع بسیار مهم است حتی از خود (خود شناسی) نیز مهم تر محسوب می شود. اگر انسانی این توانائی را داشته باشد که موانع خود شناسی را بشناسد و در پی رفع آنها برآید ، در آن صورت فاصله زیادی با خود شناسی نخواهد داشت

بطور مثال هنگامی که شخصی بداند که حسادت یکی ازین موانع شناخت است و در صدد برآید آنرا از پیش پای خود بردارد یقیناً به خود شناسی نزدیک شده است. اما هستند انسان هایی که نسبت کمبود اعتماد به نفس ، عدم بینش و ترس های معمولاً توهمی از میان برداشتن این موانع (شناخت خود) میترسند. اینها در واقع پرده ای بر روی حقیقت خود کشیده اند و در پشت پرده ، هم با خود نشناسی و هم با دیگر ناشناسی در عالم تخیلات خود زندگی میکنند. درد آور تر اینکه در زمره این خود ناشناسان ، اشخاصی با تحصیلات عالی نیز کم نیستند. مولانا هم بخصوص این گروه اخیر مورد انتقاد شدید قرار میدهد و حتی این گونه عالمان (خود ناشناس) را احمق خطاب میکند به بیت ذیل توجه فرمائید :

صد هزاران فصل داند از علوم
جان خود را می نداند آن ظلوم
داند او خاصیت هر جوهری
در بیان جوهر خود چون خری
که همی داند یجوز و لایجوز
خود ندانی تو یجوزی یا عجز
قیمت هر کاله میدانی که چیست
قیمت خود را ندانی ، احمقی ست

اما در مقابل هستند انسان های عیب های خود را میکاوند ، آنها را در می یابند و در بر طرف کردن آنها مصرانه می کوشند به کمال خود شناسی نیز خواهند رسید . درحقیقت این عیبهها نیز درچنین انسان ها باعث رشد و شکوفائی شخصیت آنها میشود.

هرکه نقص خویش را دید و شناخت
اندر استکمال خود دو اسبه تاخت

یکی از دانشمندان علوم روانی بنام (الفرد ادلر) می گوید که احساس های حقارت منبع همه تلاش های انسان ها هستند، رشد و ترقی فرد در نتیجه جبران است ، یعنی تلاش های ما برای غلبه کردن بر حقارت های واقعی و تخیلی ما در سراسر زندگی خود. انسان ها به وسیله این نیاز یعنی نیاز غلبه کردن بر احساس حقارت برانگیخته می شوند تا تلاش دامنه دار را درجهت پیروزی بخرچ دهند.

بلی عزیزان!

وقتی که گپ ازین قرار هست ، پس لازم می باشد :
رفع این علت بیاید کرد زود

